

گزینه‌های استشهادی در منطق حقوق بشر و عملیات تروریستی

مهدي ذاكريان*

مقدمه

ملتهای خواهان آزادی همواره برای دست یابی به حقوق بنیادی، استقلال و رهایی از بند ستمگران بومی و بیرونی؛ مرارتها ورنجهای بسیاری را پشت سرگذاشته و می گذرانند. تاریخ استقلال کشورهایمانند الجزایر، هندوستان و دیگر کشورها نشان از ستمی دارد که همواره بر ملتهای خواهان آزادی وارد آمده است. این ستم هم بر کالبد مادی، تاریخ و اقتصاد آنها ضربه وارد آورده و هم به روح و روان ملتهای این سرزمینها آسیب زده است. از سوی دیگر، همیشه بخشی از مبارزات به حق و برابر با قواعد بین المللی ملتهای خواهان آزادی به ناروا با تعابیری غیر اخلاقی مواجه می شود. اتهاماتی چون خرابکاری، شورش، تروریسم، قتل و غارت از جمله آنها است.

با این وجود، انصاف نیست اگر نگوییم که مبارزات حق طلبانه ملتها علیه نیروهای استعمارگر و حتی اشغالگر گاه از رویه های معقول، اخلاقی و بشردوستانه خود خارج و از جنبه های افراطی نظامی گری و خشونت رادیکالی برخوردار می شد. چه بسا همین ویژگیهای

* دکتر مهدي ذاكريان، استادیار روابط بین الملل و حقوق بشر در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات است.

فصلنامه مطالعات منطقه ای: اسرائیل شناسی - آمریکاشناسی، سال پنجم، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۲، صص ۴۷-۳۵.

رادیکالی سبب آن می شد تا اشغالگران هرچه آسانتر و گسترده تر مبارزه حق طلبانه آنها را سرکوب کرده و به آزادی خواهان نسبت انجام عملیات خرابکارانه، شورش، تروریسم و غیره را وارد سازند. با این حال، نخبگان و فرهیختگان این ملتها با انتخاب راههایی سمبلیک و اقداماتی مورد پسند و با هوشیاری کامل توانستند بخشی از این اتهامهای ناروا را بی اثر کنند. حرکت‌های سمبلیک گاندی، ماندلا و مائو در بسیج توده‌ها، همراه با پیگیری رهیافتهای مبتنی بر آرامش، نه تنها به نهضت‌های رهایی بخش مقبولیت و مشروعیت جهانی بخشید، بلکه بر قدرت بیشتر آنها افزود. حال آنکه جنبشهایی که تنها رهیافتهای خشونت طلبانه و افراطی را دنبال می کردند، ضمن از دست دادن مقبولیت و مشروعیت خود با شکستهای بزرگ نیز روبه رو می شدند. اکنون نیز جامعه جهانی، به ویژه با تحولات پس از یازده سپتامبر به استقبال جنبشها و رهیافتهایی می رود که در چارچوب قواعد حقوق بین الملل و حقوق بشر خواسته‌های خود را در جامعه بین المللی ارایه می کنند.

برپایه این پارادایم حاکم بر روابط بین الملل، خواسته‌ها و اقداماتی که از چارچوب قواعد حاکم بر نظام بین الملل خارج شود و برای دستیابی به اهداف خود، افراد و مراکز غیر نظامی را مورد هدف قرار دهد یا رهیافتهای مبتنی بر خشونت را دنبال کند، به شدت مورد انتقاد قرار گرفته و محکومیت بین المللی را در پی خواهد داشت. اکنون عملیات استشهادی نیروهای مبارز فلسطینی علیه اسرائیل نیز در این راستا - از منظر جهانیان - در پرده‌ای از ابهام قرار گرفته است و مورد تشویق و تحریض واحدهای سیاسی، سازمانهای بین المللی و سازمانهای غیر حکومتی قرار گرفته است. به گونه‌ای که نخبگان دانشگاهی و اجرایی در پرتو تبلیغات گسترده رسانه‌های جهانی که طبعاً بخشی از آنها تحت تأثیر قدرتهای بزرگ و برتر جهانی عمل می کنند، در حال ارایه تعبیرهای ویژه‌ای از چنین عملیاتی هستند. مقاله پیش روی ضمن توجه به این موضوع در تلاش است تا مرزهای این عملیات را از تروریسم تا تلاش برای دستیابی به اصول بنیادین حقوق ملتها در پرتو قواعد حقوق بشر مورد بررسی قرار دهد.

بسیاری از مفاهیم رایج در علم سیاست و روابط بین الملل به رغم اینکه از کاربرد گسترده‌ای برخوردارند، اما دارای تعریف معین و ویژه‌ای نیستند.^۱ همین نبود تعریف معین گاه به تعارض و اختلاف میان واحدهای سیاسی می‌انجامد و تعارضهای میان کشورها را نهادینه می‌کند و چه بسا موجب به وجود آمدن دسته‌بندیها و بلوکهای سیاسی در مجامع بین‌المللی می‌شود. از جمله مهمترین این مفاهیم تعارض زا، واژه تروریسم است که در حقوق بین‌الملل معاصر مفهوم یکسانی از آن وجود ندارد.^۲ همین موضوع به ارایه تعاریف بی‌شماری از این واژه انجامیده است، به گونه‌ای که ۱۰۹ تعریف از تروریسم تا سال ۱۹۹۹ ارایه شده است^۳ و همچنان نیز پژوهشگران روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل در حال ارایه تعریف از این واژه و بازشناسی علل بروز و معرفی دقیق آن هستند. ارایه این تعداد تعریف از این واژه نشانگر آن است که تاکنون واحدهای سیاسی نظام بین‌الملل به یک اجماع نظر در تعریف این موضوع دارد و سبب می‌شود تا در دست‌یابی به یک تعریف واحد و یگانه از این واژه، تأمل و تعمق بیشتر و دقیقتری صورت پذیرد. به همین دلیل، پس از نزدیک به ۹ سال از هنگام پایه‌گذاری کمیته ویژه از سوی قطعنامه ۵۱/۲۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۴ در ۱۷ دسامبر سال ۱۹۹۶ هنوز کنوانسیون عمومی تروریسم بین‌الملل در سازمان ملل آماده نشده و به تصویب نرسیده است. دست‌یابی به این موضوع، نیازمند یافتن ویژگیهای مشترک در تعاریف گوناگون ارایه شده از واژه تروریسم و فهم یکسان از حقوق بشر در هنگام مبارزه با تروریسم است. موضوعی که همواره با چالشهای جدی روبه‌رو بوده است.

در زمینه تعریف واژه تروریسم، دو پژوهشگر هلندی به مطالعه و بررسی پرداخته‌اند. برپایه یافته‌های آنها از ۱۰۹ تعریف موجود درباره تروریسم ۸۳/۵ درصد در برگیرنده خشونت، ۶۵ درصد دارای اهداف سیاسی، ۵۱ درصد به خاطر اعمال وحشت و ترس، ۲۱ درصد هدف قراردادن تصادفی و ۱۷/۵ درصد قربانی کردن غیر نظامیان است.^۵ از این رو می‌توان تروریسم را مفهومی دانست که به نظر بسیاری از نویسندگان از ویژگیهای بسیار متغیر همچون فرآیندی

از وحشت و خشونت^۶ یا نزدیک به واژه‌هایی چون خشونت، کشتار سیاسی، جدال و هرج و مرج برخوردار است.^۷ با این وجود تلاش‌های بسیاری در سازمان ملل متحد و در مراکز علمی-دانشگاهی معتبر به عمل آمده تا تروریسم به طور معین و واحد تعریف شود و به ویژه بر علميانی که علیه غیرنظامیان یا مکانهای غیر نظامی انجام می‌شود، اطلاق یابد. در همین زمینه، مقاله‌های بسیاری نگاشته شده و کتابهای بسیاری در دست تألیف است تا فهم یکسانی از مفهوم تروریسم بر پایه یافته‌های علمی به وجود آید.^۸

در این میان اصرار کشورهای جنوب بر تفکیک میان مبارزات آزادی خواهانه و رهایی بخش از عملیات تروریستی، بر حساسیت و دقت ورزیدن در این موضوع می‌افزاید. در این راستا، مقاومتهای غیر خشونت آمیز - همانند تلاش‌های آزادی خواهانه در آفریقای جنوبی که به دور از خشونت و برای دست یابی به عدالت بود و معمولاً از هر نوع روش مخاصمه آمیز علیه شهروندان غیر نظامی دور بود - از تروریسم متفاوت است.^۹ همین امر می‌تواند زمینه ساز تفکیک و شناسایی عملیات تروریستی از عملیات استشهادی شود. به گونه‌ای که جهت و سمت و سوی عملیات استشهادی بیشتر از همه متوجه نظامیان و مراکز وابسته به آنها است، در حالی که عملیات تروریستی، تنها اهداف غیر نظامی را دنبال می‌کند.

واژه تروریسم بر گرفته از کلمه ترور یا وحشت به سیاستهای اعمال وحشت در سالهای ۱۷۹۳-۱۷۹۴ پس از انقلاب کبیر فرانسه بر می‌گردد که انقلابیون برای دست یابی به اهداف سیاسی آن را به کار می‌گرفتند.^{۱۰} در واقع در آن هنگام تروریسم یعنی اعمال وحشت در میان همه شهروندان برای حفظ و نگه داری انقلاب کبیر. پس این موضوع در آن هنگام امری مثبت تلقی می‌شد. اما این واژه به تدریج جنبه منفی خود را به لحاظ برخورداری از چند ویژگی در نزد افکار عمومی و به ویژه پژوهشگران و مجریان علم سیاست و روابط بین الملل نشان داد: نخست خشونت، دوم هدف، سوم عملیات، چهارم گزینشی نبودن هدف حمله و پنجم مقیاس و سطح عملیات تروریستی است. بر این مبنا، به کار گیری خشونت اعم از تهدید، ترس، وحشت و یا شکل‌های مشابه آن علیه غیرنظامیان به منظور دست یابی به اهداف سیاسی، مذهبی، قومی و یا هر هدف دیگر با انجام عملیات هواییما ربایی، انفجار، گروگان گیری و

دیگر انواع عملیات با هدف قرار دادن افراد به صورت غیر گزینشی اعم از نظامی و غیر نظامی و همچنین حمله های تصادفی در سطح محلی، ملی، منطقه ای و بین المللی برابر با تروریسم است.^{۱۱} با توضیح فوق، تعریف زیر جمع بندی خوبی از تروریسم ارایه می دهد: «تلاش در به کار گیری یا تهدید به به کار گیری یا انجام عملیات خشونت آمیز علیه افراد غیر نظامی و اماکن غیر نظامی به وسیله روشهای غیر گزینشی که اهداف مورد اصابت از پیش تعیین نمی شوند.»^{۱۲}

کلید واژه های پایه ای تروریسم

والتر لاکر Walter Laquer درباره پیچیدگی تعریف تروریسم می نویسد: «نمی توانیم تعریفی از واژه تروریسم ارایه کنیم که همه ابعاد آن را که در طی تاریخ پدیدار شدند، در بر گیرد.»^{۱۳} این موضوع نشانگر پیچیدگی و علت وجودی تعدد تعاریف تروریسم و عدم ارایه یک تعریف یکپارچه از آن است. با این حال، بر پایه دومولفه «عملیات» و «گستره» می توان جدول بندی را ترسیم نمود که کلید واژه های پایه ای تروریسم را تشکیل دهند و از دشواری ارایه تعریف بکاهند. (جدول الف) این کلید واژه های پایه ای می توانند در موضوع در گیریهای اعراب و اسرائیل کاربرد داشته باشند. همچنین، گزینه عملیات استشهادی از سوی نیروهای مبارز فلسطینی برای برخورداری از حق استقلال و سایر قواعد حقوق بشر نیز در چارچوب این کلید واژه های پایه ای قابل بررسی است و طبیعی است که چنین بررسی می تواند در شناخت بهتر موضوع سودمند باشند. بر این پایه، عملیات سرکوب گرایانه نیروهای نظامی و شبه نظامی اسرائیل علیه ملت فلسطین از سال ۱۹۴۸ تاکنون و طبعاً مقاومت های مسالمت جویانه و رادیکالی ملت فلسطین در این زمینه قابل تحلیل و بررسی است.

کشتارهای دیربازین، کفر قاسم، صبرا و شتیلا، قانا و عملیات مونیخ، رم، وین، انتفاضه یکم، انتفاضه دوم یا مسجد الاقصی و عملیات استشهادی همگی در چارچوب کلید واژه های پایه ای گفته شده و همینطور در چارچوب نمودار (ب) که گونه های متعدد تروریسم را نشان می دهد، قابل تصور و بررسی هستند. البته، این بررسی به معنای قرارداد دادن همه واقعیت های (Facts) گفته شده در زیر مجموعه تروریسم نیست. بلکه این موضوع، تلاشی برای تمایز میان

عملیات به حق و حق جویانه با خشونت‌های افراطی و غیرقابل پذیرش نیروهای اشغالگر است. در عین حال باید این موضوع نیز در نظر گرفته شود که امروز تروریسم مدرن در هریک از گونه‌ها، عملیات و سطوح مورد نظر از ابزارهای بسیار مدرن برای دست‌یابی به مقاصد خود بهره می‌جوید. با این وصف، این پرسش مطرح می‌شود که در حالی که تروریست‌ها نه تنها از فن‌آوری‌های جدید مانند تلفن، نامبر، موبایل، اینترنت، مالتی مدیا و غیره نیز بهره می‌برند تا مراکز شهری و افراد غیرنظامی را هدف قرار دهند،^{۱۴} پس چگونه می‌توان عملیات افرادی را که از جان خود گذشته و با ابزارهای بسیار ابتدایی و با فداکردن جان خود، تنها مراکز نظامی و اهداف نظامی و سرکوب‌گرایانه اسرائیل را هدف قرار می‌دهند، با عملیات تروریستی یکسان دانست؟

عملیات استشهادهای و حقوق بشر

شهروندان فلسطینی همواره در دست‌یابی به حقوق فردی و اجتماعی خود با موانعی روبه‌رو بوده‌اند. تشکیل دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و شناسایی رسمی آن از سوی بسیاری از واحدهای سیاسی نظام بین‌الملل، آسیب بالایی را متوجه ملت فلسطین نمود. از آن هنگام تاکنون، دست‌یابی به حقوق مدنی و سیاسی و نیز حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای شهروندان عرب فلسطینی و ساکنان کرانه باختری و نوار غزه بسیار دشوار شد و همواره فشار و کنترل نیروهای نظامی اسرائیل آنها را از دست‌یابی به حقوق مصرح یک جامعه از جمله حق خودمختاری بازداشت.^{۱۵} هم‌اکنون نیز این حق بدیهی به رغم پیمان‌نامه‌های گوناگون میان طرفین درهاله‌ای از ابهام قرار دارد و تشکیل دولت مستقل فلسطینی از سوی آمریکا و اسرائیل با چالش روبه‌رو می‌شود. به علاوه، اسرائیل حقوق شهروندی، آزادی نقل و انتقال، حق حاکمیت، آزادی بیان، اجتماع و تظاهرات را به بهانه حفظ امنیت ملی برای شهروندان عرب فلسطینی درون اسرائیل محدود کرده^{۱۶} و نیز حرکت‌های مسالمت‌جویانه و یا اعتراض فلسطینی‌های سرزمین‌های اشغالی را به شدت سرکوب می‌کند.^{۱۷} این موارد چه به لحاظ

روانی و چه به لحاظ عملیاتی، معمای مبارزه را نزد فلسطینی‌ها پدید می‌آورد. بن بست مبارزه در کنار فرهنگ و تاریخ شهادت که برپایه آموزه‌های دینی و تاریخی، فرد را آماده شهادت برای دست‌یابی به اهداف حقه‌ای می‌کند که موجب رهایی یک اجتماع و ایفای حقوق یک جامعه می‌شود، در کنار هم قرار می‌گیرند تا عملیات استشهادی پی‌گیری شوند. جهاد و شهادت، آموزه‌های والایی محسوب می‌شوند که به تأمین حقوق معنوی و مادی و روانی شهروندان فلسطینی کمک می‌کند. جوانانی که آمیزه‌ای از وطن و مذهب را آرمان خود قرار داده و مبارزه با اشغالگر را یک اصل بنیادی به شمار می‌آورند. آنگاه که همه راهها و حقوق با بن بست روبه‌رو می‌شود، فوریت‌ترین پاسخ، عملیات استشهادی است. بر خلاف باور برخی از پژوهشگران غربی، علل و عامل انتخاب عملیات استشهادی تنها این نیست که آنها به پس از این دنیا فکر می‌کنند.^{۱۸} بلکه علت اصلی آن اندیشیدن در گشودن گره کنونی ملت فلسطین است. برای نمونه، دو سوم از فلسطینی‌های ساکن مناطق خودگردان بیکارند و از سپتامبر سال ۲۰۰۰ تا فوریه سال ۲۰۰۲ بیش از سه میلیارد دلار زیان به فلسطینی‌ها وارد شده است. روشن است که بسیاری از عملیات مبارزان فلسطینی، ریشه در چنین دشواریهای دنیوی و کنونی آنها داشته و بسیاری از عملیات استشهادی به منظور گشودن گره‌های پیش‌روی یک ملت انجام می‌شود.

نوع عملکرد اسرائیل نسبت به ملت فلسطین نیز همانند رساندن اکسیژن به عملیات استشهادی است. کشتارهای دسته‌جمعی، سرکوب همیشگی تظاهرات مردمی، برخورد خشونت‌آمیز با قیامهای مردمی که در قالب انتفاضه مسجد الاقصی صورت می‌گرفت، عدم رعایت قواعد کنوانسیونهای چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی به آن، کشته شدن کودکان، زنان و سالخوردگان از سوی نیروهای نظامی اسرائیل و به کارگیری سلاحهای ممنوعه در سرکوب تظاهرات مردمی از جمله عواملی است که واکنشهای رادیکالی گروههای مقاومت و مردمی را در پی دارد. به ویژه، ترورهای بی‌پایه رهبران جهادی فلسطین مانند شیخ احمد یاسین، عبدالعزیز رنتیسی و غیره سبب خشم توده‌ها و گروههای مبارز فلسطینی شده و مقاومت ملت فلسطین را وارد مرحله شدیدتری همانند انتقامجویی می‌کند. طبعاً واکنشها و

اقداماتی که در این مرحله از سوی فلسطینی‌ها با هدف قرار دادن نظامیان و نیروهای سرکوبگر اسرائیل انجام می‌شود، از پذیرش جهانی برخوردار است. این موضوع، تحت قواعدی همانند «حق ذاتی دفاع از خود»، «دفاع مشروع» و «حق دستیابی به استقلال و خودمختاری» قابل بررسی و تأمل است. اما چنانچه هدف از انجام عملیات مبارزه طلبانه اعم از مسلحانه، انتحاری، استشهادی و غیره آسیب‌رسانی به شهروندان غیر نظامی، یا هدف‌گیری مراکز غیر نظامی یا حتی ایجاد ترس، وحشت، تهدید، نگرانی و غیره در میان غیرنظامیان باشد، طبعاً در جامعه بین‌المللی مورد پذیرش نبوده و در مغایرت با قواعد مصرح حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد. دست کم در شرایط کنونی که پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ به وجود آمده است، نمی‌توان انتظار داشت، این عملیات سبب پی‌گیری حقوقی-قضایی یا سیاسی خواسته‌های ملت فلسطین شود. در همین راستا، هم‌اکنون در بسیاری از رسانه‌های گروهی جهانی از این‌گونه عملیات با عنوان عملیات تروریستی یاد می‌شود. این موضوع در بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون مقابله با تروریسم بین‌المللی سازمان کنفرانس اسلامی مصوب یکم ژوئیه ۱۹۹۹ نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

هشیارای اسرائیلی‌ها در به کارگیری گونه‌های گفته شده تروریسم (نمودار ب) در سطح محلی و بین‌المللی (جدول الف)، به منظور دست‌یابی به اهداف ملی انجام می‌شود. گزینه راهبردی اسرائیل در این زمینه به گونه‌ای پی‌گیری می‌شود که رژیم صهیونیستی را کمتر تحت فشار بین‌المللی قرار دهد. به علاوه، در برابر عملیات مبارزان فلسطینی، اسرائیل توانسته با تکیه بر دو عامل هدف غیر نظامی و اطلاع‌رسانی گسترده، عملیات استشهادی مبارزان و گروه‌های فلسطینی را در معرض اتهام عملیات تروریستی علیه غیرنظامیان قرار دهد. به گونه‌ای که نوعاً رسانه‌های گروهی جهان علاوه بر عملیات استشهادی مبارزان فلسطینی، جهان اسلام را نیز در معرض اتهام ارتکاب به عملیات تروریستی یا پشتیبانی از آن قرار داده و فشار افکار عمومی جهان را نسبت به آنها معطوف کرده‌اند. وانگهی، برخی

رویدادهای ویژه در سالهای اخیر نیز به این نوع تبلیغات اسرائیلی ها و اتهام و فشار نسبت به فلسطینی ها و جهان اسلام کمک کرده است. در واقع، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، پایان جنگ سرد و عملیات تروریستی یازدهم سپتامبر سه مؤلفه مهمی بوده اند که به اسرائیل و رسانه های مزبور کمک کردند تا نگاه دنیای شمال هر چه بیشتر بر خاورمیانه و به ویژه بر رفتارها، تصمیمها و نظریه های جهان اسلام متمرکز شود و آن را در معرض فشار و اتهام بیشتر قرار دهد، تا اندازه ای که اسلام به عنوان یک تهدید و دشمن جهانی بشر مدرن و متمدن معرفی شود. آن گونه که هانس دیتیریش گنشر اظهار می کند: «برخی در غرب به دنبال دشمن جدید هستند و تلاش می کنند تا اسلام را به عنوان خطر جدید جهانی جلوه و القا نمایند.»^{۱۹}

عملیات استشهادی، اکنون در چنین مرحله زمانی به شدت تحت تأثیر فضای سیاسی ساخته شده از سوی رسانه های جهانی و نظم بین المللی تحت سیطره ایالات متحده مورد ارزیابی جهانی قرار می گیرد. این موضوع سبب می شود تا با دقت و حساسیت بیشتری به تفسیر و بررسی موضوع عملیات استشهادی پرداخته شود. از آنجا که هدف گیری غیر نظامیان یا مکانهای غیر نظامی یا وسایل ترابری همگانی از آغاز و در ماهیت یک عمل تروریستی مغایر با حقوق بین الملل و حقوق بشر محسوب می شده است،^{۲۰} اکنون افکار عمومی جهانی تحت تأثیر شرایط حاکم بر نظام بین الملل، آشکارا و با صراحت کامل هر عملیاتی را که چنین هدف گیریهایی داشته باشد، در زمره عملیات تروریستی و مغایر با اصول حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه به شمار می آورد. بیرون آمدن از بن بست فضای حاکم بر افکار عمومی جهانی و پی گیری مبارزه برای دست یابی به اصول مصرح حقوق بشر و حق استقلال ملت فلسطین نیز هنگامی میسر خواهد بود که:

۱. عملیاتی که اهداف غیر نظامی را مورد حمله قرار می دهند، متوقف، محکوم و تقبیح گردند.

۲. عملیات علیه اشغالگران به ویژه نظامیان و مقاصد نظامی، هنگامی مقبولیت جهانی می یابند که در پرتو دست یابی به اصول حقوق بشر و قواعد حقوق بین الملل انجام پذیرند.

۳. در این راستا، عملیات به حق مبارزان فلسطینی هنگامی قابل توجیه است که

راههای مسالمت جویانه برای دستیابی به حقوق ملت فلسطین با بن بست روبه رو می شود. در چنین هنگامه ای، پی گیری عملیات مشروع مبارزان فلسطینی از پذیرش بیشتری برخوردار می شود.

۴. مبارزه مشروع، یگانه و هماهنگ با خشونت‌های اسرائیلی ها و در مناطق اشغالی انجام شود.

۵. بازتاب منطقه ای و جهانی عملیات در دست انجام از پیش محاسبه شود.

۶. اطلاع رسانی گسترده از نقض حقوق ملت فلسطین، طراحی مبارزه های مبتنی بر حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه و جلب و همراهی افکار عمومی جهانی در دستور کار آنی گروه‌های فلسطینی و حکومت خودگردان قرار گیرد.^{۲۱} □

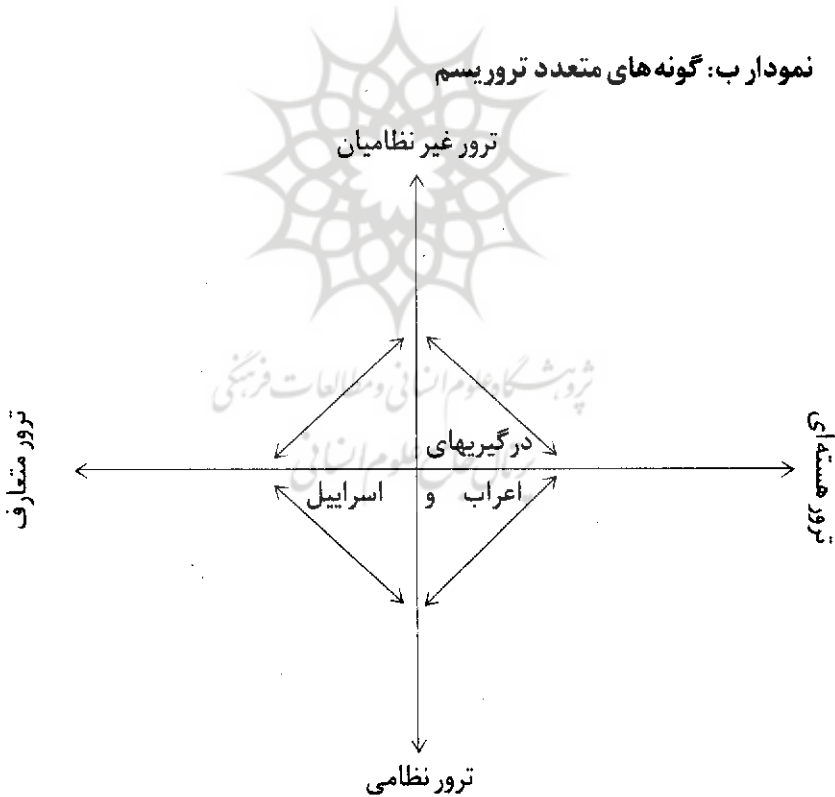


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول الف: کلید واژه های تروریسم

خشونت	هدف	عملیات تروریستی	بدون تبعیض	سطح
تهدید	سیاسی	هواپیما ربایی	حمله تصادفی و کور	محلّی
ترس	مذهبی	انفجار	مردم بی گناه	ملّی
وحشت	قومی	گروگان گیری	اماکن غیر نظامی	منطقه ای
غیره	غیره	غیره	غیره	غیره

نمودار ب: گونه های متعدد تروریسم



1. Charles Zorgbibe, *Les relations internationales*, Paris: Presses Universitaire de France, 1988, pp. 14-16.
2. Juan Antonio, Carrillo Salcedo, *Les aspects juridiques du terrorisme international*, Dordrech: Kluwer Academic Publichess Group, 1988, p. 19.
3. Ariel Merari, "Du terrorisme comme strategie d'insurrection," dans: *Les strategie du terrorisme*, ed. par: Gerard Chaliand, Paris: Desclee de Brouver, 1999, p. 75.
4. Nations Unies, Resolution adoptee par l'Assemblee Generale, A/Res/55/158-30 Janvier 2001, Mesures visante a eliminer le terrorisme international, p. 3.
5. Ariel Merari, *op.cit.*
6. M. Cherif Bassiouni, *International Terrorism: Multilateral Conventions (1937-2001)*, New York: Transnational Publishers, 2001, p. 8.
7. Gilbert Guillaume, "Terrorisme International," dans: *Recueil des cours de 1989 de l'Academie de droit international*, Dordrecht: Martinus Nijhoff Publishers, 1990, p. 295.
۸. در همین زمینه مرکز مطالعات و پژوهشهای حقوق بین الملل و روابط بین الملل آکادمی حقوق بین الملل لاهه در سال ۲۰۰۲ پروژه ای با عنوان «عدالت جزایی بین المللی» را پیش بینی نمود. یکی از فصلهای این پروژه بحث تعریف تروریسم است. مدیران این پروژه خانم روث ودگوود و فلاویا لاتانزی بر انجام پروژه نظارت دارند. فصل مربوط به تروریسم بین الملل از سوی نگارنده به زبان فرانسه با عنوان زیر در این پروژه ارائه شده است: "La definition du terrorisme international".
9. Hans Kochler (ed.), *Terrorism and National Liberation*, Frankfurt am Main: Verlag Peter Lang, 1988, p. 309.
10. Alian Rey, *Le Petit Robert 1*, Paris: Dictionnaire le Robert, 1993, p. 2238.
11. Mehdi Zakerian, "La definition du terrorisme international," Centre d'etude et de recherche de droit international et des relations internationale, papier presente a l'Academie de droit international de la Haye, 2002, p. 9.
۱۲. همچنین بنگرید به: جمشید ممتاز، «ابعاد حقوقی مقابله با تروریسم بین المللی»، بولتن مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشگاه تهران، سال دوم، شماره یکم، دی ۱۳۸۰، ص ۲.
13. Richard W. Leeman, "Rhetoric and Values in Terrorism," in Martin W. Slann, *Multidimensional Terrorism*, p. 45.
14. Stefano Silvestri, "Global Security after 11 September," *The International Spectator*, Vol. XXXVI, No. 3, July-September 2002, p. 5.

15. Anne Gallagher, *The Human Rights Protection System of the United Nations and its Specialized Agencies*, Strasbourg: I.I.U.R., 1998, p. 237.

و بنگرید به قطعنامه‌های کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد پیرامون عملیات و رفتارهای نیروهای اسرائیل در مورد حقوق بشر و رفتار با فلسطینی‌ها و دیگر اعراب سرزمینهای اشغالی سال ۱۹۶۷.

16. Russel A. Stone, "Human Rights within Israel," in Paul J. Magranarella (ed.), *Middle East and North Africa: Governance, Democratization, and Human Rights*, Aldershot: Ashgate, 1999, p. 179.

۱۷. بنگرید به: مهدی ذاکریان، «جایگاه آمریکا و اسرائیل در کنوانسیونهای بین‌المللی حقوق بشر»، مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی - آمریکا‌شناسی، جلد یکم، ۱۳۷۸، ص ۳۱.

18. Shibley Telhami, "Understanding the Challenge," *The Middle East Journal*, Vol. 56, No.1, Winter 2002, p. 11.

۱۹. مجله سروش، شماره ۶۶۵، مهر ۱۳۷۲، ص ۱۳-۱۲، به نقل از مجله اکسپرس.
۲۰. بنگرید به:

Joseph Richard Goldman, "Counterterrorism," in: Martin W. Slann, *op.cit.*, p. 34.

۲۱. بنگرید به قطعنامه‌های سال جاری کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و مجمع عمومی سازمان ملل متحد در زمینه نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه از سوی اسرائیل.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی